

گفت و گو با محمد علی صمدی کارشناس حوزه فلسطین:

# انتحاری یا استشهادی: چرا فلسطینی‌ها خودشان را منفجر می‌کنند؟

کرده و مثلاً قصد دزدیدن کیف آن مرد را داشته است. اینجا نظر شما تغییر می‌کند. من هم معتقدم به کسانی که سؤال دارند باید حق داد. اصلاً شما قبل از اینکه از خودت بپرسی چرا مبارزین فلسطینی در اماکن به اصطلاح غیرنظامی بمب منفجر می‌کنند، باید سؤال کنی چرا طرف، خودش را می‌کشد؟ کشتن دیگران در اذهان عمومی ممکن است دلیلی داشته باشد. یک نفر یا دیگری دچار تضاد منافع شده و این سطح اختلاف آنقدر زیاد است که یکی، دیگری را حذف می‌کند، ولی کشتن خود، هنوز در دنیا غیر قابل هضم است.

■ اسلام هم با ترور و کشتن افراد بی‌گناه مخالف است و هم با کشتن خود. یکی از گناهان نابخشودنی در دین اسلام همین کشتن خود است. بالاتر از آن، حتی اسلام ضرر رساندن به خود را هم حرام می‌داند. برای همین است که می‌گویند اگر روزی گرفتار (که امری واجب است) به شما آسیبی می‌رساند، باید آن را کنار بگذارید. حالا سؤال این است که آیا صرف در مقام دفاع بودن، مجوزی برای این کار در عملیات استشهادی محسوب می‌شود؟

باید با دقت به صحنه نگاه کرد. اینکه در قرآن آمده است خودتان را به کشتن نیندازید، در مورد مردم فلسطین صدق نمی‌کند. اینها خودشان را به کشتن نمی‌دهند؛ اینها چاره‌ای ندارند جز اینکه این‌طور بجنگند.

مردمی در سرزمینی بودند و فرض کنیم اصلاً مسلمان هم نباشند. عده‌ای آمدند با زور اسلحه در سرزمین آنها مستقر شدند و اسم سرزمین را هم عوض کردند و حالا به آنها می‌گویند از این به بعد ما حاکم اینجا هستیم و شما هم اگر می‌خواهید اینجا باشید، شهرت درجه دو و سه هستید. اگر هم نمی‌خواهید، بروید. بعد هم آنقدر از آنها کشتند تا بترسند و سرزمین خودشان را ترک کنند. منطق حکم می‌کند و هر انسانی هم به اینها حق می‌دهد که واکنش نشان بدهند و دشمن را بیرون کنند. این اسمش دفاع است.

خب به صورت طبیعی اینها باید بروند اسلحه پیدا کنند و توان خودشان را به سطح اشغالگرانی برسانند که تا بن دندان مسلح هستند. از آن طرف دشمن هم اولین کاری که می‌کند، نمی‌گذارد اسلحه به دست آنها برسد. حتی امکانات عادی زندگی را هم از آنها می‌گیرد. اینها می‌روند با امکانات کم، مثلاً با لوله آب، اسلحه می‌سازند، لوله آب را برایشان محدود می‌کنند. با شن و ماسه مواد منفجره می‌سازند، مواد اولیه را برایشان تحريم می‌کنند. دست روی هر چیزی می‌گذارند، به راحتی جلوی آن را می‌گیرند.

■ آبارهای برای اینها می‌ماند جز اینکه به هر شکل ممکن به طرف مقابل آسیب بزنند؟

به دلیل سیطره و فشار اسرائیل، یک قبضه سلاح انفرادی معمولی در سرزمین‌های اشغالی چند برابر جاهای دیگر قیمت دارد؛ تازه اگر بتوانند پیدا کنند.

مبارزان فلسطینی برای رسیدن به یک هدف اسرائیلی، یک پروسه سخت را طی می‌کنند. اول باید با بدبختی مواد لازم را پیدا کنند تا بتوانند ۳-۴ کیلو مواد منفجره غیر استاندارد را از ده‌ها پست ایست و بازرسی رد کنند و به اهداف اسرائیلی برسانند و آن را آنجا منفجر کنند.

این پروسه بسیار خطرناک است و دردسرهای زیاد و آسیب فراوانی برای افرادی دارد که برای جامعه فلسطینی ارزشمندند.

جامعه فلسطینی یک جامعه فرهنگی است. بدوی و بیابانگرد نیستند. همین الان بسیاری از فلسطینی‌های آواره در دنیا جزو بهترین ادیبان و متخصصان هستند. اینها مردم فرهیخته‌ای هستند که نفس شان برایشان محترم است. مثل داعش نیستند که ارادل و اوپایش جامعه را برای این کارها و عملیات بفرستند. در فلسطین افراد نخبه دست به چنین عملیات‌هایی می‌زنند. به عنوان نمونه «هناد جرادات» که یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های ضد اسرائیلی متعلق به او است، یک وکیل بود. «رائد مسک» مهندس بود. در مقاومت اسلامی، بدنه مبارزان نخبگان هستند.

اینها عاشق زندگی و سرزمین شان هستند و اصلاً به خاطر همین عشق به زندگی است که این کار را می‌کنند. طرف می‌گوید قسمت ما نشد که یک زندگی عادی داشته باشیم، شاید نصیب بچه‌های ما بشود.

اینها اگر موشک داشته باشند یا راه دیگری پیدا کنند که آسیبی به خودشان نرسد، حتماً آن کار را خواهند کرد. می‌بینید که بعد از توسعه توان موشکی شان، تعداد عملیات‌های شهادت طلبانه هم به طور محسوس پایین آمده است.

حتی کسی مثل «رابرت بایر» که جاسوس شناخته شده سیا است، در مستندی که ساخته به نام «در مکتب انتحاریون»، اذعان می‌کند که اگر فلسطینی‌ها هم مثل اسرائیل تانک و هواپیما داشتند، دست به عملیات انتحاری نمی‌زدند.



سال‌های زیادی است که گروه‌های مبارز فلسطینی با دولت و ارتش اسرائیل در سرزمین خود درگیر هستند. بیش از هفت دهه این مبارزه ادامه داشته و در بسیاری مقاطع فلسطینیان با کمترین امکانات در این جنگ نابرابر با ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل جنگیدند. «عملیات استشهادی» یا «عملیات شهادت طلبانه» در طول این چند دهه یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌های فلسطینی در این مبارزه بوده است. اینکه یک جوان فلسطینی بمبی را به خود ببندد و خودش را در میان جمعی از صهیونیست‌ها منفجر کند یا جاقو و اسلحه به دست بگیرد و به آنها حمله کند، حمله‌ای که احتمال کشته شدن مجری عملیات در آن نزدیک به ۱۰۰ درصد است. اما چرا فلسطینی‌ها دست به چنین کاری می‌زنند؟ عملیات استشهادی چه تفاوتی با عملیات انتحاری دارد که مثلاً داعش و تکفیری‌ها در سوریه و عراق و افغانستان انجام می‌دهند؟ آیا می‌شود یکی را رد و دیگری را تحسین کرد؟ در گفت و گو با محمد علی صمدی کارشناس و پژوهشگر حوزه مقاومت و فلسطین به بررسی این مسأله پرداختیم.

قربانیان زیادی در سرزمین‌های اشغالی، غیرنظامی هستند که مثلاً در پارک، هتل، اتوبوس یا فروشگاه آسیب می‌بینند.

این افراد یا از گذشته ماجرا اطلاعی ندارند یا اطلاعاتشان کم و ناقص است و بر اساس همین اطلاعات ناقص هم حکم می‌کنند و خب طبیعی است که صحیح و منصفانه نباشد. خصوصاً درباره مردمی که ما نسبت به یک هزارم رنج‌های آنها هم، درکی نداریم و خدای ناخواسته کشور ما گرفتار هم‌چنین تجربه دردناکی شود.

■ مامگر تجربه جنگ هشت ساله را اندازیم؟

ابعاد جنگ ما و اصولاً جنگ‌های کلاسیک، هیچ شباهتی به ماجرای که در فلسطین می‌گذرد ندارند، حتی جنگ‌های جهانی یا مثلاً جنگ ویتنام یا جنگ کره و از این دست. باز هم تکرار می‌کنم، کسی که کشورهای متداول دنیا مثل ایران، ترکیه، آرژانتین، کنگو... را با واحد جغرافیایی-سیاسی به اسم اسرائیل که ما آن را به رسمیت نمی‌شناسیم، یکی فرض کند، از همان ابتدای کار دارد معلوم می‌کند که من بی طرف نیستم. چطور می‌شود موجودیتی را که طبق هیچ ضابطه‌ای - و به شکلی که در هیچ کجای دنیا نمونه ندارد - به عنوان یک کشور تأسیس شده با کنشوری که طبق مسیر تاریخی دولت-ملت سازی، یک پروسه چند هزار ساله را طی کرده، یکی کرد؟

وقتی بگوییم انفجار بمب در فروشگاه‌های در ایران با انفجار بمب در فروشگاه‌های در اسرائیل یکی است، این یعنی شما حکم خودتان را از قبل داده‌اید. این یعنی شما اسرائیل را در جایگاه درستی می‌بینید. یعنی خود به خود طرفدار اسرائیل هستید. این حرف اول فلسطینی‌هاست که اسرائیل بر اساس همه اصول شناخته شده بشری، اساساً در جایگاه درستی نیست. وقتی شما اشغالگران و آوارگان را در یک جایگاه ببینید، خواه ناخواه در کنار اشغالگران ایستاده‌اید.

■ لزوماً به این معنا هم نیست. من افراد زیادی را می‌شناسم و احتمالاً خود شما هم همینطور، که اینها مخالف اسرائیل هستند، حتی حزب‌اللهی هم هستند ولی برایشان سؤال است که چرا در این عملیات افراد عادی کشته می‌شوند.

الان اصرار من بر تلفات عملیات استشهادی نیست. یک قدم آمده‌ام به عقب تا منطق حاکم بر ماجرای فلسطین را از زیایی کنم. من در ابتدای بحث هم گفتم که شاید برخی واقعاً بدون قصد و غرض، برایشان چنین سؤالی وجود داشته باشد.

یک وقت یک فیلم کوتاهی به شما نشان می‌دهند که در آن مردی یک زن را کتک می‌زند. چقدر احساسات شما غلیان می‌کند؟ شما در وهله اول حق را به آن زن می‌دهید و در برابر آن مرد موضع می‌گیرید. کمی بعد، فیلم بیشتری از آن واقعه به شما نشان داده می‌شود و معلوم می‌شود که آن زن با اسلحه حمله

درباره عملیات استشهادی چند شبهه مطرح می‌شود که این سؤالات فقط هم مربوط به یک گروه یا یک سلیقه خاص نیست. برخی از دوستان فلسطین و مخالفان اشغالگری هم شاید این سؤال را داشته باشند که اساساً چه تفاوتی وجود دارد میان آنچه مجاهدان فلسطینی در قالب عملیات استشهادی انجام می‌دهند، با آنچه مثلاً تکفیری‌ها در قالب عملیات انتحاری می‌کنند؟ هر دو در ظاهر به یک شکل و یک روش است. اگر چه پرسیدن این سؤال فقط به خاطر شباهت دو فعل است؛ یعنی کسی سؤال این باشد که چرا وقتی همین کار را یک مجاهد فلسطینی انجام می‌دهد، ما آن را تحسین می‌کنیم و اگر همین کار را یک فرد منتسب به تکفیری‌ها یا داعش بکند، تقبیحش می‌کنیم، جوابش ساده است. تفاوت در ماهیت عمل مجریان است. یکی مدافع است و دیگری متجاوز. من برای شما یک مثال می‌زنم. در جنگ تحمیلی، رژیم بعث عراق به ایران لشکرکشی کرد و بخشی از خاک ما را گرفت. عراق در مقام متجاوز بود و ما در جایگاه مدافع. در عین حال طرفین این جنگ چقدر در میدان شبیه به هم عمل کردند؟

■ تقریباً مثل هم بودند.

بجز در موضوع نحوه برخورد با اسرا - که این رفتار اختصاصی ایران است - و پرهیز ایران از بمباران مناطق مسکونی، در سایر افعال شباهت ظاهری داشتند. دو طرف از اسلحه گرم استفاده کردند. تانک و هواپیما داشتند و با موشک، همدیگر را هدف می‌گرفتند. همین الان، هم آسیب دیدگان جنگ ایران و عراق در هر دو کشور وجود دارند. پس چه چیزی اینها را از هم متفاوت می‌کند؟ فقط نیت و ماهیت عمل. یکی متجاوز است و دیگری مدافع.

این نگاه مبتنی بر ایدئولوژی یا یک نگاه ارزشی نیست. در همه جای جهان به همین شکل است. آنچه هیتلر را از چرچیل - که هر دو فرماندهان جنگ در کشور خود بودند - متمایز می‌کند، همین است، هر چند هر دو طرف به شدت هم را کشتار کردند اما یکی در مقام متجاوز بود و دیگری در مقام دفاع.

■ به هر حال از نگاه یک ناظر بی طرف، هر دو این‌ها (عمل تکفیری‌ها و عمل فلسطینیان) از نظر شکل ظاهری، ترور محسوب می‌شود. اینکه یک نفر به خودش بمب ببندد و برود در یک فروشگاه خودش را منفجر کند؛ چه در ایران باشد و چه در سرزمین‌های اشغالی.

نکته‌اش همین جاست. کسی که بگوید عمل فلسطینی‌ها مصداق «ترور» است، قطعاً بی طرف نیست.

■ چرا؟

دقت کنید. وقتی وضعیت ایران را با فلسطین اشغالی یکی می‌کنید، بی طرف نیستید. این دو مقوله هیچ شباهتی با هم ندارند.

■ ولی خب ما نسلی داریم که اینها و افعال مثل شما فکر نمی‌کنند و معتقدند